

**ارزیابی تاثیر عملکرد اعضای هیئت علمی بر ارتقای مولفه‌های توسعه اجتماعی
(از دیدگاه دانشجویان دکتری واحد علوم و تحقیقات)**

حسن قلاوندی^۱، ابراهیم شیخ زاده^۲، سید محمد سید علوی^۳

چکیده

آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد. دانشجویان، اعضای هیئت علمی و تولیدات علمی دانشگاه هر یک به نحوی در توسعه کشورها نقش دارند. نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی موضوع این پژوهش است. پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی هست که به روش پیمایشی اجرا شده است. برای اجرای پژوهش با استناد به منابع علمی موجود به استخراج مؤلفه‌های عینی توسعه اجتماعی برای ارزیابی کمی داده‌ها اقدام شد و مؤلفه‌های مورد ارزیابی پژوهش مشخص گردید. ابزار جمع‌آوری این پژوهش، پرسش نامه محقق ساخته‌ای با ۴۳ گویه است که با استناد به نتایج پژوهش بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی) آزاد ارمکی و همکاران (آزاد ارمکی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱، ۱۹). سؤالات پرسش نامه طراحی و تدوین گردید. جامعه آماری این پژوهش عبارتند از کلیه ۷۲۵۰ نفر دانشجوی مقطع دکتری واحد علوم و تحقیقات است که با استفاده جدول نمونه‌گیری گرجسی مورگان، ۳۶۷ نفر برآورد نمونه گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی در همبستگی و وفای اجتماعی، در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، در افزایش سطح امنیت اجتماعی، در ترویج و اخلاق توسعه اجتماعی و بطور کلی در توسعه اجتماعی جامعه نقش مثبت و معنی داری دارند و در این زمینه اختلاف دیدگاهی از نظر سن، جنسیت و عضو هیئت علمی بودن یا نبودن پاسخگویان وجود ندارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی از دید کمی و کیفی نقش دارند و برای برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی کشور نباید از نقش مهم این بخش از جامعه غافل بود و پتانسیل موجود در روند توسعه جامعه بهره برداری کرد.

واژگان کلیدی: هیئت علمی، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی، واحد علوم و تحقیقات.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۱۴

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه (Email: galavandi@gmail.com)

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی و عضو دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان - تهران - ایران (نویسنده مسئول)
(Email: mohamad.seyedalavi@srbiau.ac.ir)

مقدمه

پژوهشگران اجتماعی و اقتصاددانان توسعه، از واژه توسعه تعابیر مختلفی داشته‌اند که از میان آن می‌توان به افزایش تولید (رشد کمی)، افزایش بهره‌وری، ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی، رفع فقر و محرومیت و ... اشاره کرد (بختیاری و همکاران ۱۳۸۶). توسعه در لغت به معنای گسترش و بهبود است و به طور ضمنی به مفهوم بهبود و گسترش وضع اقتصادی کشور است. توسعه متغیری است کیفی و بلند مدت، به معنای رشد همه جانبه در تمام شئون زندگی افراد یک جامعه است که پایه آن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصاد دانش محور است. محققان و دانشمندان در سال‌های طولانی با به‌کارگیری روش‌ها و مدل‌های سنجش رشد و توسعه و با تأکید بر اطلاعاتی که عمدتاً ماهیتی اقتصادی داشت، نتوانستند بصورت صحیح میزان رشد و توسعه را در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی تبیین نمایند. در این راستا مدل‌ها و روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته که هر کدام از آنها دارای مزایا و معایب خاص خود می‌باشند. گاتمن، تاکسونومی عددی، تحلیل عاملی و ... از جمله روش‌هایی هستند که می‌توان با استفاده از آنها و با بکارگیری شاخص‌های مختلف، به بررسی سطح توسعه یافتگی و میزان برخورداری و محرومیت مناطق مختلف پرداخت. در روش‌های مذکور نوع شاخص انتخابی، بسیار مهم بوده و در نتایج حاصل نقش اساسی دارد. فارغ از خود مفهوم توسعه، نقش هر یک از بخش‌های اجتماعی و همچنین هر یک از افراد در قامت شخصیت فردی و اجتماعی خود نیز از مباحث مهم و قابل توجه در فرایند توسعه جوامع است. اینکه یک نهاد یا فرد در کجای مسیر توسعه قرار دارد؛ چه بخشی‌هایی زیرساخت توسعه را فراهم می‌کنند و چه بخشی‌هایی هدف توسعه هستند. این‌ها مجموعه مقوله‌های است که بسیاری جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی به آن پرداخته‌اند. نقش اعضای هیئت علمی و تاثیر عملکرد آنها در توسعه به خصوص توسعه اجتماعی و توسعه پایدار موضوع این پژوهش هست. البته عملکرد اعضای هیئت علمی فارغ از نقش دانشگاه در فرایند توسعه نبوده و باید به این مقوله از بعد نقش دانشگاه در توسعه اجتماعی نگاه کرد.

توسعه و ابعاد آن

توسعه در لغت به معنای وسعت دادن و فراخ کردن است. (نظرپور^۱ ۱۳۸۲) ولی در عمل مفهومی است که دلالت بر گذر از شرایط فعلی به شرایط مطلوب دارد. (استادحسین و کوهنابی^۲ ۱۳۸۲) به رغم این که مفاهیمی مانند رشد، توسعه و پیشرفت باهم همسانی‌ها و هم پوشی‌هایی دارند، اگر با دقت نظر و به صورت علمی و دانشگاهی نگریسته شوند، تفاوت‌های عمیقی در مصادیق هر کدام با دیگری وجود دارد. بزرگ‌ترین تفاوت میان رشد و توسعه آن است که توسعه امری است چند بعدی در حالی که رشد بیشتر گویا و متضمن پیشرفت تنها در یک حوزه است. به طور مثال وقتی سخن از رشد اقتصادی در میان باشد، منظور آن است که تنها پیشرفت‌هایی در بعد اقتصادی صورت گرفته است، همین طور رشد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ اما توسعه همان‌گونه که تذکر داده شد، به رشد چند بعدی و هماهنگ در چندین حوزه به ویژه در بخش‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع اطلاق می‌شود. به بیان دیگر وقتی به صورت هماهنگ میان بخش‌های سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نوعی توازن به سمت پیشرفت وجود داشته باشد، توسعه نامیده می‌شود.

ابعاد توسعه

۱. توسعه اقتصادی: توسعه اقتصادی فرایندی است، که در طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود. به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه‌ی اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. البته بین رشد و توسعه اقتصادی، تفاوت وجود دارد. رشد اقتصادی

^۱ M. Nazarpur

^۲ R. Ostad Hoseyn & S. Kohnabi

- صرفاً بیان‌کننده افزایش تولید یا درآمد سرانه‌ی ملی در یک جامعه و بیشتر متکی به ارقام کمی است؛ اما توسعه اقتصادی، فرایند پیچیده‌تری است که به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است؛ تا مفهوم رشد اقتصادی.
۲. توسعه اجتماعی: این نوع توسعه با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ داشته و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت هست.
۳. توسعه سیاسی: توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند و حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.
۴. توسعه انسانی؛ توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات بشر افزایش می‌یابد. این نوع توسعه که مردم را در محور فرایند توسعه قرار می‌دهد و نه صرفاً ازدیاد ثروت و درآمد را، عناصری همچون برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده و فرصت داشتن برای دستیابی به نقش خلاق و سازنده را در برمی‌گیرد. البته تأکید این نوع توسعه، بر روی شاخص طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند می‌باشد. (از کیا و غفاری^۱، ۱۳۸۴، ۱۸)
۵. توسعه فرهنگی؛ از آنجایی که انسان موجودی فرهنگی است، توسعه فرهنگی زیربنای توسعه پایدار محسوب می‌شود. اهمیت توسعه فرهنگی در جهان مورد توجه قرار گرفته و شکل‌گیری سازمان‌های همچون یونسکو نشان از دغدغه بشریت در این زمینه دارد. (نوابخش و مقتدر زاده ملکی^۲، ۱۳۹۱، ۸۴) این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ از طرف یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه، چون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. بر اساس این توسعه، تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها پدید می‌آید، که قابلیت، باورها و شخصیت ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این قابلیت‌ها و باورها، رفتارها و کنش‌های مناسب توسعه هست.

توسعه پایدار

تا اوایل دهه هشتاد میلادی با حاکم بودن الگو راه رشد، تصور بر این بود که تنها راه رسیدن به توسعه، افزایش رشد اقتصادی است. افزایش رشد اقتصادی نیز منوط به افزایش تولید و مصرف و استفاده بیش از پیش از منابع طبیعی بود. بدین ترتیب، چرخه معیوب رشد اقتصادی، افزایش جمعیت، تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط‌زیست، تخریب لایه ازن و ... شکل گرفت. بعضی توسعه را به معنای دستیابی به تعدادی از آرمان‌های نوسازی مثل افزایش تولید، برابری سیاسی و اجتماعی، دانش نوین و نهادها و نگرش‌های پیشرفته تفسیر می‌کنند. توسعه نباید مردم را از ریشه‌های فرهنگی و محیطی خود جدا کند، بلکه باید به استغنا و خوداتکایی آنها کمک کند. (از کیا و مختارپور^۳، ۱۳۹۱، ۲۳)

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۳ به منظور رفع مشکلات پیش آمده، کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه را ایجاد کرد که در گزارش نهایی خود با عنوان «آینده مشترک ما» رویکرد جدید توسعه پایدار را مطرح ساخت. در این گزارش، توسعه پایدار بدین گونه تعریف شد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را بدون در خطر قرار دادن توانایی نسل‌های آینده در رفع نیازهایشان، برآورده می‌سازد» (آراسته، امیری^۴، ۱۳۹۱، ۳۰)

^۱ M. Azkia & G. Gaghafari

^۲ M. Navabakhsh & A Moghtaderzadeh maleki

^۳ M. Azkia & M. Mokhtarpour

^۴ H. Arasteh & E. Amiri

یک جامعه توسعه یافته در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از وضع نامطلوب گذر کرده و به وضع مطلوب تعریف شده رسیده است؛ اما توسعه پایدار^۱ فرایندی است که در آن رفاه کل جامعه به طور پیوسته و در طول زمان برای مدت زمان طولانی تداوم می‌یابد بدون آن که در فرایند گذار اخلاقی ایجاد شود. (استادحسین و کوهنابی^۲ ۱۳۸۲)

الگوی غالب توسعه در بعد قرن هجدهم رشد اقتصادی با تاکید بر انقلاب صنعتی بود در به مرور زمان علاوه بر نابودی بخش از عمده‌ای منابع جهان و عوارض زیست‌محیطی، در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز عوارض و عواقبی برجای گذاشت که گه‌گاه به بروز عقاید رادیکالی در مخالف با توسعه منجر شد. به مرور زمان نارسایی و ناپایداری رشد و توسعه تک بعد نمایان شد و بعد از این بود که متفکران جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی و اقتصادی ایده توسعه پایدار را عنوان کردند. مسائل زیست‌محیطی آغاز کننده مباحث توسعه پایدار محسوب می‌شوند و نگرانی‌های که در حوزه حفاظ از زمین و مسائل محیط‌زیست به وجود آمد باعث شد که از نگاه تک بعد توسعه و تخریبی زیست بوم بشری انتقاد شده رویکردی نوین و تلفیقی از سایر مسائل زندگی بشری در زمینه توسعه وارد ادبیات توسعه گردد.

امروزه مفهوم جدیدی در حوزه توسعه پایدار مطرح شده است که به آن «پایداری شهری» اطلاق می‌شود. ریشه‌های این مفهوم به نارضایتی‌هایی بر می‌گردد که از نتایج توسعه پایدار به وجود آمد. این الگو واره جدید به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعتی می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط زیست می‌انجامد و تنها فرایند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش^۳ نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود. از این منظر شهر پایدار، شهری است که بر آمده از توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقاء همیشگی سلامت اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناسانه شهر و منطقه آن را فراهم کرده باشد. (پور جعفر، خدایی و پورخیری^۴ ۱۳۹۰، ۳۵)

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعاریف و تعبیر متفاوتی به کاررفته است که معرف رویکردهایی متفاوت همچون رهیافت‌های عام و خاص و همچنین تقسیم‌بندی ایدئولوژیک توسعه اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی است. برای مثال؛ نظریه پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت بیشتر زندگی، اعتقادی راسخ دارند. از جمله وارنر^۵ (۱۹۵۸) معتقد است که توسعه اجتماعی عبارت است از امکانات رفاهی برای زندگی بهتر مردم جامعه. ماکس ویر^۶ ضمن تبیین ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی، بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر. از سوی دیگر میلز و گرت^۷ گستره زیادی برای مفهوم شانس زندگی قائل شده‌اند که شامل هر چیزی از امکانات زندگی از یک سالگی تا شانس دیدن هنرهای زیبا، تندرستی، رشد و... را فراهم می‌کند. همچنین از نظر سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی - اجتماعی، هدف نهایی توسعه، ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن است. (شمعدانی حق^۸ ۱۳۸۰، ۲۵۱)

^۱ Sustainable Development

^۲ R. Ostad Hoseyn & S. Kohnabi

^۳ Carrying Capacity

^۴ M. PourJafar, Z. Khodei & A. Pour kheyri

^۵ Warner

^۶ Weber

^۷ Mills, Gareth

^۸ Shamdanihagh, Ali

توسعه اجتماعی در رهیافت عام‌گرا، مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی یا توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در اینجا توسعه اجتماعی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده است ولی با دیگر انواع توسعه به ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل یافته است. به عبارت دیگر نظریه‌های عام‌گرای توسعه اجتماعی، در بطن خویش توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته است و به بازمینی اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای تحقق اهداف اجتماعی می‌پردازد. (مقصودی، ۱۳۸۰، ۱۲۳)؛ اما در رویکرد خاص‌گرا، مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته است؛ ولی هنوز شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های آن به طور دقیق مشخص نشده‌اند. (عبداللهی ۱۳۸۰، ۲۱۵)

از نظر آر. ان واسیست^۱ اولین دلیل نیاز به توسعه اجتماعی، ناکامی تلاش‌های توسعه‌گرایانه با سمت و سوی توسعه اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته در بالا بردن سطوح زندگی تا حد قابل قبولی برای اکثریت مردم است. دومین دلیل ناکامی توسعه در کشورهای پیشرفته برای بهبود کیفیت زندگی بسیاری از گروه‌های اقلیتی و به همین ترتیب عدم موفقیت در حل کردن رضایت‌بخش بسیاری از مسائل و کژ کاری‌هایی که در نتیجه صنعتی شده، شهر گرایی و دیوان‌سالاری، روی بیشتر مردم تأثیرگذار بوده است. سومین دلیل، ناکامی نهادهای رفاهی و تأمین اجتماعی در به دست آوردن مشارکتی معنادار در سطح جامعه برای پیشگیری از شرایط رقت‌انگیز انسانی است. (توسعه اجتماعی ۱۳۸۷، ۱۸۹)

شاخص‌های توسعه اجتماعی

لشکری (۱۳۷۷) شاخص‌های توسعه اجتماعی را در دو گروه شاخص‌های کمی و کیفی به شرح زیر تقسیم نموده است.

الف) شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی

عمده‌ترین شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی که قابل اندازه‌گیری می‌باشند عبارت‌اند از:

- | | |
|---|---|
| ۱) اشتغال کامل؛ | ۲) تولید (درآمد) سرانه؛ |
| ۳) نوآوری و خلاقیت؛ | ۴) سطح بالای زندگی؛ |
| ۵) امید به زندگی در بدو تولد؛ | ۶) نرخ باسوادی؛ |
| ۷) وجود کالاهای ضروری برای همه؛ | ۸) نرخ پایین رشد جمعیت؛ |
| ۹) نرخ پایین مرگ و میر کودکان؛ | ۱۰) هزینه‌های بهداشت و درمان؛ |
| ۱۱) منافع اجتماعی تولید کالاها و خدمات؛ | ۱۲) توزیع درآمد بصورت عادلانه؛ |
| ۱۳) شاخص توسعه انسانی؛ | ۱۴) نرخ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی؛ |
| ۱۵) معیار تقویت جنسیتی؛ | ۱۶) نرخ پوشش بیمه‌های درمانی و بازنشستگی. (لشکری ^۲ ۱۳۷۷) |

شاخص‌های کیفی توسعه اجتماعی

معایب موجود در اندازه‌گیری درآمد ملی سرانه و درآمد ناخالص ملی به مثابه معیار مشخص‌کننده رفاه اجتماعی، گروهی از اقتصاددانان را بر آن داشت تا در صدد استفاده از شاخص‌های کیفی اجتماعی برای تعیین رفاه اجتماعی برآیند. معیارهای رفاه اجتماعی عبارت‌اند از بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، اشتغال، شرایط کار مصرف مواد حیاتی، حمل و نقل، مسکن، استفاده از تسهیلات زندگی روزمره، لباس، گسترش قوه ابتکار، تفریحات سالم و امنیت اجتماعی. (قره‌باغیان^۳ ۱۳۹۱، ۱:۱۳) تمام این معیارها بر تغییرات کیفی در روند توسعه اجتماعی تأکید دارند. عمده‌ترین شاخص‌های کیفی توسعه اجتماعی که تقریباً قابل اندازه‌گیری نیستند عبارت‌اند از:

^۱ R.N. Vashisht,

^۲ Lashkari, Mohammad

^۳ Gharebaghyan, Mortaza

(۱) آزادی انتخاب یک جامعه؛

(۲) آرمان‌های نوسازی؛

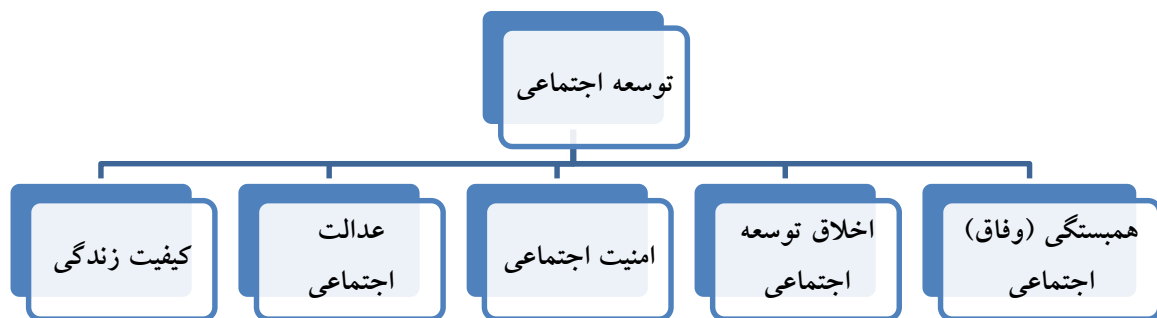
(۳) اراده سیاسی؛

(۴) عزت نفس؛

(۵) ثبات و امنیت جامعه. (لشکری ۱۳۷۷)

ثبات و امنیت به عنوان بستر اصلی هرگونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی، مورد تأکید و عنایت ویژه کلیه مکتب‌ها است. تاریخ سیاسی ایران در متجاوز از ۲۵ قرن نشان می‌دهد که فقدان ثبات و امنیت عنصر کلیدی عقب‌افتادگی و واپس ماندگی تاریخی کشورمان است. تحلیل‌های تاریخی به وضوح بیانگر آن است که هرگاه گستره و عمق ناامنی در کشور محدود شده است شاهد پیشرفت و آبادانی بوده‌ایم. (مومنی^۱ ۱۳۷۴، ۱۲۵)

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) در تازه‌ترین پژوهش خود با عنوان «بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی» با استفاده از تکنیک دلفی ۵ شاخص و ۴۲ زیر شاخص کاربردی را برای ارزیابی توسعه اجتماعی شناسایی نموده‌اند. بر اساس ادبیات نظری و تجربی، جایگاه توسعه اجتماعی در قوانین و برنامه‌های توسعه اجتماعی در سطوح ملی و فراملی و نهایتاً با استناد به نتایج به دست آمده از محاسبات صورت - گرفته از شاخص‌های این مطالعه در باب سنجش و فرموله کردن این مفهوم با ابعاد و خرده - ابعاد آن، این تعریف از توسعه اجتماعی ارائه شد:



توسعه اجتماعی بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه، به و افزایش «همبستگی (وفاق) اجتماعی» برای حصول به، «اخلاق توسعه اجتماعی» خصوص است. «امنیت اجتماعی» و ارتقا ضریب «عدالت اجتماعی» در جهت برقراری «کیفیت زندگی». بر اساس این تعریف، شاخص توسعه اجتماعی در قالب ابعاد پنج‌گانه: همبستگی (وفاق) اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی به اجماع و توافق نخبگان (صاحب نظران و متولیان اجرایی توسعه اجتماعی) تقسیم‌بندی شد. (آزاد ارمکی^۲، مبارکی^۳ و شهبازی^۴ ۱۳۹۱، ۱۹)

همبستگی (وفاق) اجتماعی

یکی از ابعاد پنج‌گانه مورد اجماع توسعه اجتماعی از سوی نخبگان در این مطالعه، همبستگی (وفاق) اجتماعی است. به طور کلی هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که مملو از وفاق یا فاقد شکاف باشد. معمولاً در همه جوامع به حکم تقسیم کار اجتماعی، بین عوامل مربوط به تبار، جنسیت، نژاد، دین و ... چندین شکاف وجود دارد. وجود چند پارگی‌های آشتی‌ناپذیر به هر شکل، مانع پیدایی همبستگی اجتماعی و وفاق عمومی می‌شود. چنین تعارضات و چند پارگی‌ها، زمینه و بستر شکاف‌ها، آشوب‌ها و بی‌نظمی‌ها را در

¹ Momeni, Farshad

² Azad Armaki, Taghi

³ Mobaraki, Mahi

⁴ Shabazi, Zohre

مقابل نظم اجتماعی فراهم می‌آورد (شمعدانی حق ۱۳۸۸، ۲۵۵) پس می‌توان همبستگی (وفاق) اجتماعی در جامعه را به مثابه علتی در جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی در نظر گرفت. در باب بعد همبستگی (وفاق) اجتماعی در فرایند تکنیک دلفی (شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت) نتایج زیر به دست آمد. (آزاد ارمکی^۱، مبارکی^۲ و شهبازی^۳ ۱۳۹۱، ۲۲)

جدول ۱: ابعاد و معرف‌های عملیاتی بعد همبستگی و وفاق اجتماعی

ابعاد	معرف‌های عملیاتی
هویت	هویت روانی، هویت فرهنگی و هویت اجتماعی
سرمایه اجتماعی	اعتماد، مشارکت، حساسیت نسبت به سرنوشت
مدارای اجتماعی	مدارای عقیدتی، مدارای سازمانی، مدارای اجتماعی و مدارای رفتاری
شکاف اجتماعی	شکاف‌های جنسیتی، شهری/روستایی، نسلی، طبقاتی، قومی، مذهبی

عدالت اجتماعی

یکی از ابعاد پنج‌گانه مورد اجماع توسعه اجتماعی از سوی نخبگان در این مطالعه «عدالت اجتماعی» است. عدالت اجتماعی در این جستار به معنی کاهش عدم تعادل و تبعیض در بین افراد جامعه در تمامی ساحت‌ها (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی) تعبیر شده است. در باب این بعد از توسعه اجتماعی در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) نتایج زیر به دست آمد. (آزاد ارمکی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱، ۲۳)

جدول ۲: ابعاد و معرف‌های عملیاتی بعد عدالت اجتماعی

ابعاد	معرف‌های عملیاتی
عدالت اجتماعی، فرهنگی	میزان دستیابی اقشار مختلف جامعه به اطلاعات، میزان عدم تعادل‌های منطقه‌ای در زمینه برخورداری از امکانات فرهنگی و اجتماعی، نحوه توزیع بودجه میان مناطق و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی
عدالت اقتصادی	نحوه توزیع درآمد در جامعه، نسبت شکاف درآمدی، تعیین خط فقر

کیفیت زندگی

یکی از ابعاد پنج‌گانه مورد اجماع توسعه اجتماعی توسط نخبگان در این مطالعه، کیفیت زندگی است. به طور کلی در بررسی نظری و تجربی مفهوم کیفیت زندگی می‌توان از دو رویکرد در سطوح عاملیتی و ساختاری بهره گرفت. در سطح عاملیتی نقش محوری برای عامل انسانی لحاظ شده است. در این سطح کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی. با توجه به تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، چهار رویکرد عاملیتی (مطلوبیت‌گرایی، ارزش‌های عام، رویکرد نیاز محور و رویکرد قابلیت) قابل بررسی هستند. در سطح ساختاری کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی مفهوم‌سازی شود؛ مفهومی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند. در باب این بعد از توسعه اجتماعی در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) موارد بهداشت و سلامت، تأمین اجتماعی، امکانات و شرایط مادی، امید به زندگی، رضایت‌مندی از زندگی، آموزش، اشتغال و شاخص‌های جمعیتی به عنوان خرده ابعاد شاخص کیفیت زندگی تعیین گردید. (آزاد ارمکی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱، ۲۵)

امنیت اجتماعی

¹ Azad Armaki, Taghi

² Mobaraki, Mahi

³ Shabazi, Zohre

یکی دیگر از ابعاد پنج‌گانه مورد اجماع در پژوهش آزاد ارملی و همکاران (۱۳۹۱) «امنیت اجتماعی» است. امنیت اجتماعی در دو خرده ابعاد امنیت ذهنی و امنیت عینی قابل شناسایی است که خرد ابعاد آن نیز در جدول شماره ۳ ارائه شده است: (آزاد ارملی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱، ۲۶)

جدول ۳: ابعاد و معرف‌های عملیاتی بعد امنیت اجتماعی

ابعاد	معرف‌های عملیاتی
امنیت عینی	میزان و نرخ انواع جرائم و آسیب‌های اجتماعی در سری‌های زمانی
امنیت ذهنی (احساس امنیت)	احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت فکری، احساس امنیت جمعی، احساس امنیت حقوقی

اخلاق توسعه اجتماعی

«اخلاق توسعه اجتماعی» آخرین بعد از ابعاد پنج‌گانه مورد اجماع نخبگان در پژوهش آزاد ارملی و همکاران (۱۳۹۱) است. در ارتباط با جایگاه اخلاق و فرهنگ در فرایند توسعه به معنای اعم می‌توان حالت‌های متفاوتی را متصور شد اما اگر توسعه را در مفهوم جامع در نظر بگیریم ولی فرهنگ را صرفاً معطوف به اخلاق مرتبط با توسعه یا فرهنگ معنوی منظور کنیم در این حالت مفهوم اخلاق توسعه، یک بعد از فرایند توسعه خواهد بود که رابطه تعاملی با ابعاد دیگر توسعه (توسعه اجتماعی) خواهد داشت. در باب بعد «اخلاق توسعه اجتماعی» از توسعه اجتماعی در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) خرده ابعاد نوع کنش (عاطفی و منطقی)، اخلاق شهروندی، فرهنگ انطباق (شخصیت انتقالی)، فرهنگ ریسک‌پذیری، فرهنگ آینده‌نگری، فرهنگ نظم، فرهنگ تأثیرگذاری، اعتقاد به علم، میل و نیاز به پیشرفت و فرهنگ کار شناسایی گردید. (آزاد ارملی، مبارکی و شهبازی ۱۳۹۱، ۲۷)

نقش آموزش عالی و اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی

اگر کشوری بخواهد در مسیر توسعه قرار بگیرد، دانشگاه نقطه آغاز این مسیر خواهند بود. در واقع آغازکننده خواست اجتماعی توسعه حتی در کشورهای اروپایی دانشگاه‌ها هستند؛ در بعد اجتماعی انتظارات جامعه را رهبری نموده و در بعد عملی و علمی نیز دانشمندان با ابداعات و اختراعات خود، مفهوم توسعه را عینیت بخشیدند. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز بدین گونه است که دانشگاه وظیفه دارد جامعه را برای پذیرش توسعه آماده نماید و همچنین ملزومات و سازوکار آن را تدارک ببیند. به هر حال مسیر توسعه از درون دانشگاه می‌گذرد و هیچ نهاد اجتماعی به اندازه دانشگاه در این مقوله تأثیرگذار نبوده است.

آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد. طبق نظریه سرمایه انسانی، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزشی که فرد می‌بیند در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند جریان درآمدی بیشتری را در آینده به وجود آورد؛ بنابراین، آموزش و افزایش توانایی و مهارت، در واقع به منزله سرمایه‌هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگر بازدهی اقتصادی دارد. دیدگاه سرمایه انسانی که از سوی «تئودور شولتز»^۱ و «گری بکر»^۲ به رشته تحریر درآمد، ما را متوجه این حقیقت می‌کند که دستیابی به میراث بالای توسعه‌یافتگی در کشورهای پیشرفته مرهون آموزش و به خصوص ارائه آموزش عالی است.

نفس شکل‌گیری و رشد آموزش عالی و دانشگاه، خود شاخص و نشانه‌ای از توسعه به معنای کلان آن می‌باشد؛ و در فرایند نوسازی، یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید شده، نظام مدرن دانشگاهی است. نقش دانشگاه در فرایند توسعه، نقش برجسته‌ای است، چرا که دانشگاه نهاد توسعه نیروی انسانی بوده و تأسیس و راه‌اندازی آن برای تربیت نیروی انسانی در سایر بخش‌ها لازم است؛ ضمن آنکه خود این نهاد، آثار تربیتی و فرهنگی خاص خود را به همراه دارد. (حاجیانی و اخلاق ۱۳۸۷، ۱۲-۱۱۹) ارتباط نهاد آموزش به خصوص آموزش عالی با مقوله توسعه یک رابطه دو جانبه است. توسعه آموزش به خصوص آموزش عالی و مهارت برای شهروندان

^۱ Theodore W.Schultz

^۲ Gary S. Becker

یک کشور از شاخص‌های اساسی توسعه انسانی و توسعه اجتماعی است؛ که اجرای آن نیازمند گسترش سازمان‌های آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه می‌باشد. از طرف دیگر جوامع برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و حرکت مداوم در آن نیازمند نیروی انسانی ماهر و با آموزش‌های مورد نیاز هستند که همه این نیروها در نهاد آموزش و پرورش با سازمان مدارس و دانشگاه‌ها تربیت می‌شوند. از سوی دیگر کارکردها اجتماعی دانشگاه در روند اجتماع‌پذیری افراد، تثبیت نهادهای اجتماعی و سیاسی، استقرار دموکراسی، گسترش دانش، گسترش طبقه متوسط جامعه و... نقش بنیادین دارد و بدون حضور دانشگاه بسیاری از حرکت‌های توسعه‌ای اجتماع اتفاق نمی‌افتاد.

ارتقای اکثر شاخص‌های توسعه در تمامی ابعاد خود نیازمند برنامه‌ریزی و حضور افراد متخصصی دارد که دانشگاه متولی تربیت این نیروی متخصص است. در مقوله بهداشت، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و... فارغ‌التحصیلان دانشگاهی متولی اجرا و سازماندهی برنامه‌های توسعه‌ای دولت و جوامع هستند؛ و ارتقای همه شاخص‌ها نیازمند این متخصصین می‌باشد.

آموزش عالی، مرجع اصلی تأمین نیروی متخصص بخش‌های مختلف جامعه، عامل بسترسازی فرهنگی از طریق بالا بردن سطح دانش عمومی و برآورده ساختن نیازهای معنوی جویندگان تحصیل، محل تولید و انباشت دانش و ابزار اصلی انتقال میراث فرهنگی بشر می‌باشد. (صالحی^۱ و غفرانی^۲ ۱۳۷۴)

در واقع یکی از پر ارزش‌ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است. دانشگاه‌ها و موسسه‌های تحقیقاتی به لحاظ دارا بودن نقش منحصر به فرد، اعتبار زیادی کسب کرده و کانال رشد پویندگان راه علم و ترقی محسوب می‌شوند. امروزه این واقعیت در طیف بسیار گسترده‌ای پذیرفته شده است که دانشگاه نقش حیاتی و کلیدی در ایجاد تغییرات تکنولوژیکی جامعه بازی می‌کند. بخش اعظم و ملموس این نقش را باید در همکاری مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها، در گسترش مرزهای دانش از طریق بازنگری مداوم دستاوردهای فنی و علمی دانست. (حاجیانی و اخلاق ۱۳۸۷، ۱۲۶)

تمامی فعالیت‌های دانشگاه و بالطبع فعالیت‌های آن در فرایند توسعه بدون اعضای هیئت علمی آن غیرممکن است. در واقع تفاوت اساسی دانشگاه با سایر نهادهای اجتماعی، حضور یک قشر فرهیخته و متخصص و صاحب‌نظر با عنوان هیئت علمی است که باعث شده است، دانشگاه به عنوان قطب پژوهش و آموزش در جامعه نقش و جایگاه اساسی خود را حفظ کند. اگر به طور دقیق به این موضوع بپردازیم، باید اذعان کنیم که دانشگاه بدون هیئت علمی، به عنوان یک سازمان هیچ کارکردی نخواهد داشت.

حیات سازمانی دانشگاه‌های قائم به هیئت علمی آن است و دانشگاه‌های به وابسته هیئت علمی خود شناخته شده و مطرح می‌گردند. هیئت علمی یک کارکرد چندگانه در نهاد دانشگاه و اجتماع دارد. بخش عمده‌ای از تربیت نیروی متخصص و ماهر جامعه را اعضای هیئت علمی بر عهده دارند. آموزش دانشجویان در دانشگاه از انتقال صرف دانش و تجربه فراتر رفته و کارکرد پرورشی نیز دارد. اساتید دانشگاه با انتقال دانش و تجربیات خود و همچنین با رفتار و منش خود، در طول دوران تحصیل با تأثیرگذاری بر روی دانشجویان به شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی، علمی و حرفه‌ای آنها کمک می‌کنند. از این رو بخش عمده‌ای از کارکرد فرهنگی دانشگاه نیز بر دوش اعضای هیئت علمی آن است.

فعالیت‌های پژوهشی اساتید دانشگاه و انتشار آنها و انتقال یافته‌ها و تجربیات خود به دانشجویان و سایر مؤسسات و مراکز تولیدی و خدماتی، به روند توسعه فنی و حرفه‌ای در جوامع کمک می‌کنند. یافته‌های اساتید علوم پزشکی، باعث شده است که هر روزه دریچه‌ای جدید در این حوضه گشوده شود به روند بهبود وضعیت بهداشت عمومی و افزایش خدمات بهداشتی و درمانی و کاهش آلام بیماران کمک کرده است. حضور اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در فرایند تحقیق و توسعه صنایع، به بهبود روش‌ها و ابزارها و

^۱ Salehi, Aliakbar

^۲ Ghafrani, MohamadBagher

در نتیجه افزایش تولید و بهره‌وری انجامیده است که نتایج آن و تأثیری در زندگی افراد دارد غیرقابل انکار است و رفاه و آسایش جوامع امروزی به طور انکارناپذیری و امدار فعالیت‌های پژوهشی اساتید دانشگاه است. تحقیقات و فعالیت‌های پژوهشی دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی در بهبود و ارتقای مناسبات اجتماعی، کاهش تأثیر ناهنجاری‌های اجتماعی، بهبود روند بهداشت روانی، توسعه فرهنگ و هنر و ... نقش اساسی دارد. امروزه بسیاری از مباحث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع در محافل علمی توسط دانشمندان علوم انسانی مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفته و آثار یافته‌های آنها در جوامع کاملاً واضح است.

پیشینه پژوهش

برای آثار و ادبیات حوزه توسعه پایدار و توسعه اجتماعی نشان داد که هیچ پژوهشی که به طور اختصاصی به موضوع نقش هیئت علمی در توسعه اجتماعی و یا توسعه در مفهوم عام آن انجام نگرفته است. در این زمینه در داخل کشور و یا به زبان فارسی هیچ اثری یافت نشد در زمینه پیشینه‌های خارج از کشور نیز دو مورد پژوهش یافت شد که هر چند به طور اختصاصی به این موضوع نپرداخته بودند ولی هر کدام در بخشی از پژوهش خود نقش اعضای هیئت علمی در فرایند توسعه پایدار مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

The role of African universities in national developments/ H. J. Mosha, (1986).

اچ. جی. موسی در پژوهشی با عنوان نقش دانشگاه‌های آفریقا در توسعه ملی به بررسی نقش دانشگاه‌های آفریقا در توسعه ملی کشورهای آفریقایی پرداخته است. این پژوهش که بخش عمده آن با استفاده از داده‌های ثانویه موسسات رسمی اجرا شده نقش ارکان مختلف دانشگاه مانند برنامه درسی، رشته‌های تحصیلی و اعضای هیئت علمی را در توسعه کشورهای آفریقایی مثبت و معنادار ارزیابی کرده است. (Mosha 1986, 113-134)

Faculty and student engagement in the Argentine grassroots rebellion: toward a democratic and emancipatory vision of the university/ Slocum, Jenée & Robert A. Rhoads, (2009).

جی سلوسوم و رابرت رادز در پژوهشی با عنوان نقش دانشجویان و اعضای هیئت علمی در انقلاب مردمی آرژانتین به بررسی تأثیر و نقش دانشجویان و اعضای هیئت علمی و بطور کلی جامعه دانشگاهی در روند استقرار دموکراسی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی در توسعه اجتماعی پرداخته‌اند. البته این یک پژوهش کیفی هست که با ۲۴ پرسش‌نامه ساختار یافته و ۱۸ پرسش‌نامه باز به روش مصاحبه اجرا شده و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پاسخگویان معتقدند اعضای هیئت علمی نقش بسیار اساسی در روند دموکراسی آرژانتین دارند. (Slocum & Rhoads 2009, 85-105)

فرضیه‌ها

۱. فرضیه اصلی پژوهش بر این استوار است که عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاهها در روند توسعه اجتماعی تأثیر گذار است.
۲. فرضیه فرعی اول: عملکرد اعضای هیئت علمی بر همبستگی و وفاق اجتماعی تأثیر دارد.
۳. فرضیه فرعی دوم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر گسترش عدالت اجتماعی کشور تأثیر دارد.
۴. فرضیه فرعی سوم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان جامعه تأثیر دارد.
۵. فرضیه فرعی چهارم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر افزایش سطح امنیت اجتماعی جامعه تأثیر دارد.
۶. فرضیه فرعی پنجم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر ترویج و اخلاق توسعه اجتماعی تأثیر دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی هست که به روش پیمایشی اجرا شده است. برای اجرای پژوهش با استناد به منابع علمی موجود به استخراج مؤلفه‌های عینی توسعه اجتماعی برای ارزیابی کمی داده‌ها اقدام شد و مؤلفه‌های مورد ارزیابی پژوهش مشخص گردید.

با توجه به اینکه توسعه اجتماعی یک موضوع با مؤلفه‌های بسیار گسترده‌ای هست، در این پژوهش بررسی همه جانبه ابعاد آن امکان‌پذیر نبود. از این رو پنج مولفه برجسته توسعه اجتماعی به عنوان شاخص مورد ارزیابی این پژوهش انتخاب گردید و سعی شد تاثیر عملکرد اعضای هیئت علمی در همبستگی و وفاق اجتماعی، گسترش عدالت اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی، افزایش سطح امنیت اجتماعی، و ترویج و اخلاق توسعه اجتماعی مورد ارزیابی و پژوهش قرار گیرد.

ابزار جمع‌آوری این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای با ۴۳ گویه است که با استناد به نتایج پژوهش بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی) آزاد ارمکی و همکاران (آزاد ارمکی^۱، مبارکی^۲ و شهبازی^۳ ۱۳۹۱، ۱۹) سئوالات پرسش‌نامه طراحی و تدوین گردید.

جامعه آماری این پژوهش عبارتند از کلیه ۷۲۵۰ نفر دانشجوی مقطع دکتری واحد علوم و تحقیقات است که با استفاده جدول نمونه‌گیری گرجسی مورگان، ۳۶۷ نفر برآورد نمونه گردید. دلیل انتخاب دانشجویان دکتری به عنوان جامعه آماری، ویژگی خاص دانشجویان این مقطع هست که متناسب با اهداف پژوهش بود. دانشجویان دکتری اولاً نسبت به سایر مقاطع تحصیلی دیگر، بیشترین ارتباط را با محیط دانشگاه و اعضای هیئت علمی دارند و در ثانی تعداد زیادی از دانشجویان دکتری عضو هیئت علمی دانشگاهها هستند که این موضوع کمک می‌کند پژوهش در ارزیابی نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی اطلاعات دقیق و تحلیل مناسبی را بتواند ارائه کند.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش توزیع و جمع‌آوری الکترونیکی پرسش‌نامه استفاده گردید. که به سرعت و دقت پژوهش کمک کرد. در این روش با استفاده از امکانات پرسشنامه گوگل داک و تحت همین پروتکل پرسش‌نامه طراحی و به آدرس ایمیل نمونه آماری پژوهش ارسال گردید. در این روش یک صفحه اینترنتی^۴ برای پرسش‌نامه اختصاص داشت که آدرس لینک آن به ایمیل پاسخگویان ارسال گردید و آنان بعد از تکمیل و ارسال، تمامی جوابها بصورت کاملاً ناشناس در صندوق پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. با توجه به اینکه معمولاً نرخ مشارکت در پرسش‌نامه الکترونیک پایین هست و همچنین از آنجایی که محدودیتی و هزینه‌ای در توزیع پرسش‌نامه نبود ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان بصورت کاملاً تصادفی انتخاب و به ایمیل آنها پرسش‌نامه ارسال گردید که محدوده زمانی مشخص شده حدود ۴۲۳ پرسش‌نامه به صندوق پژوهش ارسال شده که از آن بین ۳۸۸ پرسش‌نامه بدون نقص بود و این تعداد به عنوان نمونه آماری در نرم افزار SPSS ورود اطلاعات شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه ابتدا با اجرای آزمون آلفای کرونباخ در بین ۵۰ مورد از پاسخ‌های اولیه مقدار آلفای استاندارد شده به میزان ۰/۹۱۱ را نشان داد که حاکی از همسازي درونی بالای این گویه‌ها جهت سنجش شاخص مورد پژوهش بود. این سطح پایایی بر اساس قاعده مالری^۵ نشان می‌دهد که پایایی ابزار پژوهش در حد عالی است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای و برای رتبه‌بندی بین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و تعیین بیشترین و کمترین میزان تأثیر اعضای هیئت علمی نیز از آزمون فریدمن استفاده گردید.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه فرعی اول: عملکرد اعضای هیئت علمی بر همبستگی و وفاق اجتماعی تاثیر دارد.

¹ Azad Armaki, Taghi

² Mobaraki, Mahi

³ Shabazi, Zohre

^۴ لینک پرسشنامه: <http://goo.gl/forms/JCncL9T6CM>

^۵ George And Mallery

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۱۹/۳۳۷) در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۰۰۰) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۴۹/۹۸) از میانگین مفروض (۳۷/۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون t برای فرضیه فرعی اول پژوهش

تعداد نمونه	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد	
۳۸۸	۴۹/۹۸	۱۲/۷۱۵	۰/۶۴۵	
میانگین فرضی: ۳۷/۵				
نمره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	
			از تفاوت	۹۵ درصد فاصله اطمینان
۱۹/۳۳۷	۳۸۷	۰/۰۰۰	۱۲/۴۸۲	۱۱/۲۱
			بالاترین	پایین‌ترین
			۱۳/۴۷۵	۱۱/۲۱

فرضیه فرعی دوم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر گسترش عدالت اجتماعی کشور تاثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۲/۰۶۱) در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۰۰۴) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۱۳/۰۰) از میانگین مفروض (۲۲/۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون t برای فرضیه فرعی دوم پژوهش

تعداد نمونه	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد	
۳۸۸	۱۳/۰۰	۴/۷۵۳	۰/۲۴۱	
میانگین فرضی: ۲۲/۵				
نمره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	
			از تفاوت	۹۵ درصد فاصله اطمینان
۲/۰۶۱	۳۵۱۳۸۷	۰/۰۴۰	۰/۴۹۷	۰/۰۲
			بالاترین	پایین‌ترین
			۰/۹۷	۰/۰۲

فرضیه فرعی سوم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان جامعه تاثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۷/۸۲۵) در جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۰۰۰) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۱۷/۲۵) از میانگین مفروض (۱۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون t برای فرضیه فرعی سوم پژوهش

تعداد نمونه	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد	
۳۸۸	۱۷/۲۵	۵/۶۷۰	۰/۲۸۸	
میانگین فرضی: ۱۵				

۹۵ درصد فاصله اطمینان از تفاوت		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	نمره t
پایین ترین	بالا ترین				
۱/۶۹	۲/۸۲	۲/۲۵۳	۰/۰۰۰	۳۳۸۷	۷/۸۲۵

فرضیه فرعی چهارم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر افزایش سطح امنیت اجتماعی جامعه تاثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه فرعی چهارم حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۵/۵۴۴) در جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آمار معنی داری (۰/۰۰۰) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۱۶/۶۶) از میانگین مفروض (۱۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون t برای فرضیه فرعی چهارم پژوهش

میانگین خطای استاندارد		انحراف معیار	میانگین واقعی	تعداد نمونه	
۰/۳۰۰		۵/۹۱۶	۱۶/۶۶	۳۸۸	
میانگین فرضی: ۱۵					
۹۵ درصد فاصله اطمینان از تفاوت		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	نمره t
پایین ترین	بالا ترین				
۱/۰۷	۲/۲۶	۱/۶۶۵	۰/۰۰۰	۳۸۷	۵/۵۴۴

فرضیه فرعی پنجم: عملکرد اعضای هیئت علمی بر ترویج و اخلاق توسعه اجتماعی تاثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه فرعی پنجم حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۲۱/۷۱۸) در جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آمار معنی داری (۰/۰۰۰) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۳۸/۴۹۷۴) از میانگین مفروض (۲۷/۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون t برای فرضیه فرعی پنجم پژوهش

میانگین خطای استاندارد		انحراف معیار	میانگین واقعی	تعداد نمونه	
۰/۵۰۳۷		۹/۹۷۴۲۶	۳۸/۴۹۷۴	۳۸۸	
میانگین فرضی: ۲۷/۵					
۹۵ درصد فاصله اطمینان از تفاوت		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	نمره t
پایین ترین	بالا ترین				
۱۰/۰۰۱۸	۱۱/۹۹۳۰	۱۰/۹۹۷۴۲	۰/۰۰۰	۳۸۷	۲۱/۷۱۸

فرضیه اصلی: عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاهها در روند توسعه اجتماعی تاثیر گذار است.

نتایج آزمون فرضیه اصلی حاکی از این است که مقدار آزمون t تک نمونه‌ای (۱۵/۷۷۱) در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۰۰۰) وجود دارد. همچنین میانگین جامعه آماری (۱۳۵/۳۹) از میانگین مفروض (۱۰۷/۵) بالاتر است از این رو می‌توان گفت که فرض صفر پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش رد شده و در مقابل فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۹: نتایج آزمون t برای فرضیه اصلی پژوهش

تعداد نمونه	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
۳۸۸	۱۳۵/۳۹	۳۴/۸۴۱	۱/۷۶۹
میانگین فرضی: ۱۰۷/۵			
نمره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
۱۵/۷۷۱	۳۸۷	۰/۰۰۰	۲۷/۸۹۴
			پایین ترین
			بالاترین
			۲۴/۴۲
			۳۱/۳۷

رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

هر چند که در همه مؤلفه‌های پنج‌گانه توسعه اجتماعی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، نقش اعضای هیئت علمی مثبت ارزیابی شده است، ولی ضریب تاثیر هر پنج مؤلفه بالطبع به یک اندازه نخواهد بود. با استفاده از آزمون فریدمن میزان تاثیر و نقش اعضای هیئت علمی در هر یک ابعاد مشخص شد. نتایج جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که بیشترین نقش و تاثیر اعضای هیئت علمی در حوزه مؤلفه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی توسعه بوده و در رتبه‌های بعدی، بعد اخلاق توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی و امنیت اجتماعی قرار دارند. طبق نظر پاسخگویان اعضای هیئت علمی در زمینه امنیت اجتماعی کمترین میزان تاثیر را داشته است.

جدول ۱۰: جدول رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه
۴	۴/۹۴	همبستگی و وفاق اجتماعی
۴	۴/۰۶	اخلاق توسعه اجتماعی
۲	۲/۴۷	کیفیت زندگی
۲	۲/۳۱	امنیت اجتماعی
۱	۱/۲۲	عدالت اجتماعی
تست آماری فریدمن		
۳۸۸		تعداد نمونه
۱۳۹۲/۰۰۲		کای اسکوتر
۴		درجه آزادی
۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری

ارتباط عناصر جمعیت شناختی با متغیر پژوهش

(۱) تفاوت دیدگاه پاسخگویان با توجه به جنسیت پاسخگویان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴۳ درصد پاسخگویان را زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. با اجرای آزمون t با دو نمونه مستقل برای بررسی اختلاف میانگین نظرات دو گروه زن و مرد در بین پاسخگویان نشان می‌دهد که در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۲۷۸) وجود ندارد؛ و این نشان می‌دهد اختلاف معناداری در بین میانگین نظرات پاسخگویان زن و مرد در زمینه تاثیر اعضای هیئت علمی بر توسعه اجتماعی وجود ندارد.

۲) تفاوت دیدگاه پاسخگویان با توجه به سن پاسخگویان

بررسی یافته‌های نشان می‌دهد که رده سنی ۳۰-۳۵، بیشترین فراوانی پاسخگویان به خود اختصاص داده رده سنی ۳۶-۴۰، ۲۰ درصد، ۴۱-۴۵، ۱۵/۷ درصد، ۴۶-۵۰، ۷ درصد و ۵۱-۵۵ فقط ۱/۸ درصد نمونه آماری به خود اختصاص داده‌اند. نتایج آزمون واریانس یک طرفه بین فاکتور رده‌های مختلف سنی پاسخگویان با نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۱۴۶) وجود ندارد و نتایج آزمون شفه نشان می‌دهد این تفاوت بین گروهی را نشان بطور کامل قابل تفکیک نیست. یافته‌های این آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بین نظرات رده‌های مختلف سنی پاسخگویان وجود ندارد.

۳) تفاوت دیدگاه پاسخگویان با توجه به وضعیت عضویت در هیئت علمی پاسخگویان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۱۳/۷ درصد دانشجویان دکتری پاسخگو، خود عضو هیئت علمی هستند و ۴۱/۵ درصد عضو هیئت علمی نبود و ۴۴/۸ درصد هم فقط تدریس دارند. نتایج آزمون واریانس یک طرفه بین فاکتور وضعیت هیئت علمی پاسخگویان با نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ تفاوت آمار معنی‌داری (۰/۰۶۷) وجود ندارد و نتایج آزمون شفه نشان می‌دهد این تفاوت بین گروهی را نشان بطور کامل قابل تفکیک نیست. یافته‌های این آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بین نظرات پاسخگویان که عضو هیئت علمی هستند و دانشجویانی که عضو هیئت علمی نیستند وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی نقش انکار ناپذیری است. بخش عمده‌ای از فرایند توسعه از مسیر دانشگاه می‌گذرد و دانشگاه به عنوان نهاد و سازمان اجتماعی یک نقش راهبردی و با اهمیت دارد و در این مسیر هیئت علمی با کارکردهای مختلف آموزشی، پژوهشی و پرورشی خود به روش‌های مختلف در خدمت توسعه جامعه هستند. توسعه اجتماعی به عنوان یک توسعه بنیادی در جامعه و نقش اعضای هیئت علمی در این مسیر موضوع این پژوهش هست که در این زمینه نظرات یک بخش دیگر از جامعه دانشگاهی برای ارزیابی نقش اعضای هیئت علمی در فرایند توسعه اجتماعی جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این زمینه ابتدا فرضیه اصلی پژوهش تدوین گردید و با این فرض که هیئت علمی در توسعه اجتماعی ایران نقش دارند و با توجه به ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، پنج بعد فرعی توسعه اجتماعی شناسائی و بر پایه همین ابعاد پنج فرضیه فرعی نیز مطرح شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که جامعه آماری پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد معتقدند که اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی نقش دارند. در مورد نقش اعضای هیئت علمی در توسعه اجتماعی همه جامعه آماری بدون هیچ گونه اختلافی از نظر جنسیت، سن و اینکه عضو هیئت علمی هستند یا نیستند فرقی ندارد و نتایج آزمون‌های دیگر این موضوع تایید می‌کنند که تفاوت معنا داری در نظرات پاسخگویان زن و مرد با رده‌های سنی مختلف در مورد نقش هیئت علمی در توسعه اجتماعی وجود ندارد. این بخش از نتایج پژوهش یافته‌های پیشینه پژوهش را نیز تایید می‌کند و در راستای مسائل مطرح شده در ادبیات پژوهش هست.

در مورد فرضیه‌های فرعی مطرح شده، یافته‌های پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌کند که اعضای هیئت علمی در زمینه همبستگی و وفاق اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، افزایش سطح امنیت اجتماعی جامعه و ترویج و اخلاق توسعه اجتماعی نقش مؤثری داشته و در زمینه گسترش عدالت اجتماعی با اطمینان ۹۵ درصد این فرضیه‌ها تایید می‌کند که می‌توان نتیجه گرفت اعضای هیئت علمی در تمامی ابعاد پنج‌گانه توسعه اجتماعی مورد ارزیابی این پژوهش نقش مؤثر و معناداری دارند. در نظر رتبه بندی نیز، بیشترین تاثیر اعضای هیات در زمینه همبستگی و وفاق اجتماعی بوده و کمترین تاثیر را در زمینه گسترش عدالت اجتماعی داشته‌اند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی از دید کمی و کیفی نقش دارند. اعضای هیئت علمی در بعد آموزش نیروی انسانی و توسعه سرمایه انسانی که یک بخش مهم از توسعه اجتماعی محسوب می‌شود، نقش داشته و همچنین با پژوهش و تحقیق در زمینه‌های مختلف توسعه در این مسیر به جامعه کمک می‌کند. از این رو برای برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی کشور نباید از نقش مهم این بخش از جامعه غافل بود و پتانسیل موجود در این مسیر جامعه بهره‌برداری کرد.

منابع

1. Ahmadvand, Mohammad Rahi & Nemat-Allah Amiri (2009). Take a position in the Human Development Index and the enjoyment of human development than other countries. Economic Journal (bimonthly survey of issues and policies) No89-90
2. Arasteh, H. & E. Amiri. (2012). The Role of Universities in Teaching Sustainable Development. Science Cultivation-Vol 2. No.2 June 2012
3. Azad Armaki, Taghi, Mahi Mobaraki & Zohre Shabazi. (2102). Explore and identify indicators of Applied Social Development (Using Delphi Method) Social - Cultural Development Studies journal No. 1 (summer 2012.)
4. Azkia M. & M. Mokhtarpour. (2012). the rola of the structuralism theories in the Development theories. Journal of Iranian Social Development Studies 2012 (summer), Vol. 4, No.3
5. Azkia. M. & G. Gaghafari. (2005). Sociology of development. Tehran: Kayhan.
6. Baseri, Bijan & Alireza Farhadi Kia. (2008). The Analysis of Factors Affecting Human Development Index in Zanjan Province. Volume 16, Number 47 (autumn 2008.)
7. Gharebaghyan, Mortaza. (2012). Economic of growth and development. Tehran: Nashreney.
8. Goli, E. (2010). Determination And Survey The Role Of Islamic Azad University In Shirvans Sustainble Development. Geography and Urban Planning M. A. Thesis. Human Science Faculty. Islamic Azad University, Shirvan Campus.
9. Hajiani, Ebrahim & Azita Akhlaghi. (2008). the role ao I.A.U. in social Development. Tehran: Deputy of Research-Islamic Azad University.
10. http://www.islamshahr.gov.ir/
11. Institute of Social and Cultural Studie. (2008) Human Development. Translated by group of translators. Theran: Institute of Social and Cultural Studie .
12. Lashkari, Mohammad. (1998). Social welfare Indicators. Political & Economic Ettela'at. No 131-132.
13. Marc Henry P. (1995). Poverty, Progress, and development. Translated by M. Mohammadi. Tehran: Ministy of Foregin Affairs, Publication Office.
14. Momeni, Farshad. (1996). An autopsy of a development plan. Tehran: Tarbiat Modares University
15. NaderPor, Mohamadreza. (2013). Social Development. Access in 10 July 2014 at: <http://andishe-ap.org/index.php/social-development/211-human-development>
16. NaderPor, Mohamadreza. (2013). Social Development. Access in 4 July 2014 at: http://andishe-ap.org/index.php/social-development/127-social-development#_ftn2.

16. Navabakhsh, M. & A. Moghtaderzadeh maleki. (2012). Three aspects of identity (local, national and global) among youth and its role in the cultural development of the Azrbyayjan East State. *Journal of Iranian Social Development Studies* 2013 (winter), Vol. 5, No.1
17. Nazarpur, M. (2003). Values and progress. Tehran: institute for islamic culture and thought
18. Ostad Hoseyn, R. & S.Kohnabi. (2003) the role of universities in regional development. *Economic Journal*. No. 27, 28. 2003
19. PourJafar M., Z. Khodei & A. Pour kheyri. (2011). Analysis approach in identifying the components and characteristics of urban sustainable development indicators. *Journal of Iranian Social Development Studies* 2011 (Summer), Vol. 3, No.3
20. Salehi, Ali Akbar & Mohammad Bagher Ghofrani. (1996). the role of government in higher education. *Sharif Journal*, Vol. 11, No .11, Summer 1996 .
21. Shamdanihagh, Ali. (2001).Methodological aspects of social development (qualitative and quantitative indicators). 1th International Conference on Social Development, Ministry of Social Affairs organized. Tehran: Elmi Farhangi .
22. Todaro, Michael P. (2003). *Economic development in the third world*. Translated by Gholam Ali Farjad. Tehran: kohsar.
23. Mosha, H. J. (1986). The role of African universities in national developments. *Higher Education*. 1986, Volume 15, Issue 1-2, pp 113-134
24. Slocum, Jenée & Robert A. Rhoads. (2009). Faculty and student engagement in the Argentine grassroots rebellion: toward a democratic and emancipatory vision of the university. *Higher Education*. January 2009, Volume 57, Issue 1, pp 85-105